

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

دوکتور صلاح الدین سعیدی – سعید افغانی

۱۲ جولای ۲۰۱۱

تقاضا از متخصصان و حقوقدانان محترم کشور

در دوبخش/ بخش دوم

عنوان فوق نوشته برادر محترم خلیل الرحمن الفت منتشره سایت وزین افغان جرمن آنلاین به تاریخ ۸/۷/۲۰۱۱ می باشد. امروز نوشته را بدقت مطالعه کردم و متوجه شدم که جناب پرسنده خود شخص عالم و دانشمند است که چنین سوالات بس عالی را مطرح کرده اند. باید بگویم که نبض حوادث در کشور و منطقه ما چنان به سرعت میتپد که بر بسیاری از مسایل باید بحث، مکث و تمرکز صورت گیرد. هست موارد که به صورت صریح جواب و موضع حق و درست وجود دارد اما عده یا هم بخاطر تناقض به منفعت شخصی آنرا تحریف میکنند و یا هم لفاظی و بحث برای بحث کردن میخواهند. عده که صادقانه رسالت اداء میکنند هم زیاد و سبب مسرت است.

و اما مستقیم واپس به بحث شما:

دیموکراسی به مفهوم بالا و به قسم که نظام دیموکراتیک، حاکمیت قوانین و دساتیر در خدمت مردم و در خدمت ارزش های مردم باشد درین صورت زیاد تأکید کردن به این ویا آن دین و آیین بیشتر یک شکل فورمال را دارد و در موارد هم قسما اضافی است. شما تصور کنید یک حالت را که نمایندگان ملت مسلمان افغانستان یک قانون خلاف اصول اسلام را فیصله کنند. مسلم که همچو قانون و تدبیر خلاف ارزش های مردم توسط نماینده شان به معنای این خواهد که این نماینده ملت نیست و در خدمت ارزشها و خواسته های مردم نیست و این قانون برای مردم افغانستان نخواهد بود. منظور من مواردی است که شرع و نص در مورد صراحت دارد و یا احکام دینی در مورد موجود باشد و پارلمان چیزی خلاف آنرا پیش کش کند.

دین اسلام حتی با بخشی از ادیان ابراهیمی به شمول دین مسیحیت فرق دارد. دین اسلام دین دنیا و آخرت است و در تمام موارد دساتیری دارد. دین اسلام سیکولاریزم را نمی شناسد و تلاش هائی درین راستا به طور عمده ناشی از عدم شناخت از دین اسلامی بوده و یا هم در سطح خواست و آرزو بوده که با واقعیت اسلام سرو کار ندارد (بحث طولانی).

حقوق در دین اسلام بر بخش معاملات (که روابط شخص و یا اشخاص را با اشخاص دیگر) و عبادات (که روابط بنده را به الله تعالی) تنظیم می‌دارد - احتوا می‌کند.

منابع حقوق اسلام چهار اند. قرآن کریم، سنت پیامبر اسلام، اجماع امت و قیاس.

قرآن کریم در ظرف مدت ۲۳ سال رسالت (از سال ۶۱۰ میلادی) به ارتباط مسایل مختلف آیات نازل شده به صورت تحریری به املاء کردن خود محمد (ص) بر کاتبان وحی تحریری و به شکل ۳۰ جزء در وقت خلیفه حضرت عثمان درآمد. چهار اصل قرآن کریم به چهار گوشه عالم اسلام ارسال شد (یک کاپی ازین چهار اصل در موزیم تاشکند است). مسلمان هیچ شک و تردید درین اصل و کامل بودن قرآن کریم ندارد. با شک و تردید در قرآن کریم مسلمان از اسلام خارج می‌شود. الله تعالی تضمین کننده حفظ قرآن کریم است (انانحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون). آیات احکام در قرآن کریم و شأن نزول آیات بحثی است بس ارزشمند و علوم تفسیر این مباحث را بررسی و تفصیل آرایه می‌دارند.

منبع دوم حدیث پیامبر بزرگ اسلام محمد (ص) است. این احادیث سینه به سینه نقل شده و در نسل سوم در قرون نهم و دهم میلادی به شکل تحریری درآمد و در اهل سنه و جماعه شش کتاب بزرگ (صحاح سته) کتب بزرگ سنت تشکیل شده. کتب روایات اهل تشیع و بخشی از احادیث موضوعی (احادیث تقلبی) و در مجموع علوم حدیث که این بخش و منبع حقوق اسلامی را مورد بحث و تعمق قرار می‌دهد بحثی است طولانی. احادیث از لحاظ قوت و ضعف راوی به پنج نوع تقسیم می‌گردد. حین فتوی استناد به این احادیث و قوت ضعف راوی مسایل طویل و عریض قابل بحث اند.

منبع سوم اجماع امت مسلمین (کنسنسیوس) مسلمان است بریک امر دریک عصر... منبع چهارم قیاس (انالوگی) است که به اساس یافتن وجه مشترک حلال و یا حرام و شأن نزول آیات بر مسایل که عصر امروز به وجود آورده فتوی به اصول قیاسی توسط مجتهد صورت می‌گیرد.

کسی که احکام اسلامی را از این منابع می‌یابند، اجتهاد می‌کنند و صلاحیت اجتهاد را آنرا دارند که فتوی بدهند آنرا مجتهد و مفتی گویند. مجتهد به علاوه مسلمان بودن، معرفت مسلط به منابع چهار گانه فوق، معرفت علوم اسلامی و زبان عربی و خبره بودن توانائی اجتهاد را داشته باشد، اطلاق می‌گردد. مجتهد یا حق را می‌یابد و ثواب اجتهاد، کوشش و به حق رسیدن را کسب می‌کند و یا هم صرف ثواب تلاش به نیت پاک را کسب می‌کند اما حتمی نیست حق را یافته باشد.

تعداد این فتاوی شخصی در تاریخ حقوق اسلام که قوانین بعضی از کشورها از جمله قوانین افغانستان در صورت عدم صراحت متن قانون به آن مراجعه را سفارش می‌دارند - زیاد است.

مرجع کنترل و نظارت بر قانون و اصول در جوامع اسلامی به علاوه قاضی داخلی، ایمان و وجدان انسان مسلمان مراجع عدلی و قضائی است. اما در کشور های غیردینی صرف مراجع عدلی و قضائی از تطبیق قانون کنترل و نظارت می‌دارند.

شارع در دین اسلام "الله تعالی" است و مرجع قانون گذاری (قوة مقننه) در کشور های اسلامی در مواردی که شریعت نصوص و احکام وجود دارند مبدع و ایجاد گر چیزی جدید از احکام، دساتیر و قوانین نبوده بلکه در مورد انتخاب کننده یکی از نظریات فقها و علمای مفتی و مجتهد اسلامی اند که در مورد مطابق به اصول اسلامی قبلا نظر داشته و در فتاوی شخصی شان حفظ است.

قوة مقننه کشور های اسلامی در مواردی که شریعت صراحت ندارد راه مناسب را برای حل مسایل مطرح تصویب و روی دست می گیرد.

در مبادی اولی منابع حقوق در اسلام یعنی در قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) بخشی از مسایل به صورت کلید مجمل آمده است که ضرورت به تدابیر عملی دارند. مثلا طلب علم مطابق اسلام فرض و وجیه خوانده شده، نفاقت جزء ایمان خوانده شده، خانواده اساس خوانده شده، احترام والدین و احترام به بزرگان مسوولیت خوانده شده، به استفاده از علم و دست آورد های بشری امر شده، حمایت و نگهداری معتقدان ادیان دیگر تحت سیطره حاکمیت اسلامی وظیفه دولت اسلامی خوانده شده، برای امر صلح، نگهداری و حفاظت از آن امر شده، قواعد عمومی برای حالت جنگ روشن شده، برخورد غیر انسانی مانند سینه بریدن و بی سیرت کردن مقابل، قطع اشجار و اذیت به اسیران ممنوع شده و دهها دستور زندگی که در این منابع اولی اسلامی هدایات روشن وجود دارد. اما طریق اجراء و عملی کردن این دساتیر و هدایات، راه های عملی و تطبیقی آن باید توسط قانون گذاران در جامعه اسلامی دقیق ساخته شده عملی گردد. این راه ها، سطح انکشاف جوامع مختلف بشری و امکانات عملی در جوامع مختلف- مختلف است که در هر جامعه با در نظر داشت این جوانب باید تصامیم عملی و تدابیر قانونی موجه و ممکن اتخاذ گردد. مراجع قانون گذاری در اصول تغییر آورده نمی توانند اما در راهها، وسایل و امکانات عملی و اینکه کدام امکانات را بیشتر اولویت و کدام یک را در مرحله دوم و سوم قرار می دهد انتخاب کرده می توانند.

همچنان قابل تذکر می دانم که حضرت محمد (ص) پیامبر الله تعالی و رهنما و رهبر سیاسی و دینی مسلمانان بود و است. زمانیکه مطلب در زمان حیات پیامبر اسلام نا روشن و یا مورد مشاجره می بود به آنحضرت مراجعه می شد و وی حکم را به اساس وحی ابلاغ می کرد و شبهه وجود نداشت. بعدا خلفای راشدین صرف رهبران دینی و مذهبی بودند و معرفت و شناخت انسانی هم متفاوت بود لذا فهم و تفسیر مسایل در نزد علمای اسلامی با فهم از اساسات و اصول و منابع متفاوت بود لذا این آغاز دوره اختلاف است که اولاً بر جانشینی پیامبر بزرگوار اسلام آغاز شد و در مسایل مختلف به تدریج سبب پیدا شدن مذاهب مختلف در دین اسلام گردید. قابل تذکر است که بعضی ازین مذاهب و فرق از دین اسلام خارج شده و عده به فهم خویش داخل دین اند. (الهی ما را از جمله همان فرقه بگردان که راه درست را در دین یافته اند.)

و اما در مورد حتمی بودن قوانین اسلامی افغانستان افراط کردن به این مفهوم که از عالم دینی باید پرسیده شده که قدرت برداشت این پُل و پُلچک چقدر است؟ و یا دیگر مسایل که صرف و صرف کار علم امروزی است و ما با فهم نادرست همه چیز را تحت بهانه قوانین اسلامی منحرف تعبیر کنیم درست نخواهد بود و فکر نمی کنم که شما هم چنین هدف داشته داشته باشید. بلی اسلام استفاده از دست آورد های بشری را سفارش می کند و همین که به علم عمل می شود عمل به دساتیر اسلامی است.

در مورد قضا و محاکم و تطبیق قوانین:

چنانچه در مورد منابع حقوق اسلام که مسایل جزائی را نیز در بر می گیرد قسما اشارات داشتیم می خواهم تأکید بدارم که در تاریخ حقوق زمانی قوانین غیر نوشته بود و در مواردی مورد سوء استفاده قرار می گرفت. یا بهتر بگویم حتی تقریباً چهار سال قبل هم در محاکم افغانستان قاضی باید احکام و فتوای مختلف علمای مشهور و مجتهدین را می دانست و در مواردی که مرجع قانون گذاری حکم مشخصی را در موردی به صراحت نمی داشت با استفاده ازین احکام و فتوای شخصی حکم می کرد. در زمان مرحوم داوود خان قوانین جزاء و قوانین مدنی به استفاده از

قوانین جمهوری عربی مصر تدوین گردید که قسم بیشتر شان تا حال مورد استفاده قرار دارند. این قوانین هم با استفاده از نظریات و فتاوی علمای اسلامی رأی بهتر انتخاب و تدوین شده. اما این اباحت و حالات بسیار وسیع است و ممکن شود مواردی که قانون معین را به خاطر ندارد و تحت پوشش قرار نداده که درین صورت قانون گذار احتیاط کرده و این راه حل را که در صورت نبودن صراحت قانون به همان فتاوی شخصی مراجعه شود که عدالت به صورت بهتر تأمین گردد تأکید می شود چون فتاوی و راه های حل متعدد است برای مهار کردن کمی روشن شدن در مورد عدم صراحت قانون به تمام فتاوی شخصی (امام مالک، امام حنبل، امام احمد، امام یوسف، امام ابوحنیفه، فتاوی از هر شریف و فتاوی و راه های حلی که در قوانین بخشی از کشور های اسلامی در نظر گرفته شده) نه بلکه در قانون ما به پیروی به فتاوی امام ابوحنیفه امر شده. که به وجود این ماده ضرورت بود و این است راه حل که جناب الفت آنرا متذکر شده اند و سؤال کرده اند.

اما به مرور زمان تمام کیس ها و حالات در قانون پوشش شده و حکم روشن تدوین می شود که این به پروسه طولانی ضرورت دارد.

یک مثال می آورم:

در مورد شخص متهم همان جزای قانونی قابل تطبیق است که در وقت ارتکاب جرم نافذ بود. اگر از زمان دستگیری شخص تا نهائی شدن حکم قوانین تغییر کرد و قانونی به تصویب رسید که به ضد متهم بود درین صورت همان قانونی تطبیق می شود که در وقت ارتباط جرم نافذ بود. اما اگر قانون جدید در حق متهم سهل بود به اساس قوانین بعضی از کشور های جهان همان قانون سهل تطبیق می شود. (من شخصی را در یک کیس مواد مخدره چنین مؤکل داشتم.)

در مورد حاکمیت به ملت تعلق دارد و یا حاکم

نماینده حزب اخوان المسلمین در مصر چندی قبل اعلام کرد که حاکمیت به ملت تعلق دارد. در مورد اساس تابعیت اصل اساسی است. بلی بدون تعصب و پیش داوری باید آموخت. مهم نیست کی گفته مهم است چه گفته و چقدر به درد ما می خورد؟ این اصل باید اصل اساسی باشد. اما ملت افغان که اساس تصمیم گیری است مسلمان است و انتخاب خویش را دارد. برای من و شما که مسلمانیم راه ما در چوکات دین ما روشن است و شارع اصلی چنانچه گفتیم در اسلام "الله تعالی" است. دقیق چنین است که باید برای رسیدن به جامعه مدنی و انسانی کار کرد که ملت اساس بگردد. قوم، قبیله و منطقه اساس نه بلکه ملت اساس باشد، تابعیت و مراعات قانون اساس باشد. ملتی که مسلمان است، انتخاب ارزشهای خویش را در چوکات اسلام تعیین می کند و علماء و روحانیون و پیشتازان جامعه ملت را در انتخاب و اخذمسئولیت یاری می رساند.

در آخر می خواهم تأکید بدارم که حداقل ۱۵ الی ۲۰ موضوع از مسایل مطرح شده فوق ایجاب کار تیزس دوکتورای مستقل را نموده و داخل شدن عمیق به همه این مسایل آموزش به فهم من ده ساله را ایجاب می کند. اما این بدان معنا نیست که این بحث باید از یک جایی آغاز نشود. این بدان معنا هم نیست که صرف نخبگان و دوکتوران و اکامیسن هاباید بحث کنند. من به این باورم که همه حق داریم به قسمی که سوال برای ما مطرح شده با صداقت مطرح کنیم و صادقانه نیت آموزش و کسب معرفت را داشته باشیم. کج بحثی و بحث برای بحث، کینه و پیش داوری و از یک سلسله پدیده های بد دیگر باید خویش را رها کنید و از اکادمی انترنیت و الکترونی باید صادقانه استفاده خوب و مثبت برد.

از برادر محترم الفت تشکر که من را به تحریر مطالب فوق واداشت. آنچه در چانته داشتم خدمت تقدیم کردم. ممکن در بحث بعدی جدا مختصر ویا اصلا اشتراک نکنم. الله نگهدارد. از طول کلام معذورم خواهند داشت ازین مختصر نتوانستم.

برادر شما دوکتور صلاح الدین سعیدی سعیدافغانی – انگلستان